

موانع رشد و توسعه اقتصاد در اندیشه امیر مؤمنان علی علیه السلام

mahdian.r@lu.ac.ir

azimimirahmad@gmail.com

gholipourparvanh@gmail.com

کلیه روح الله مهدیان طرهبه / استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان

امیر احمد عظیمی / کارشناس ارشد نهج البلاغه دانشگاه لرستان

پروانه قلی پور / کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اراک

پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۴

دریافت: ۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

خودکفایی و استقلال اقتصادی جامعه، اصلی است که پیوسته مورد توجه دین مبین اسلام بوده تا دولت‌های اسلامی بتوانند در سایه این اقتدار اقتصادی به آرمان‌های اعتقادی خود نیز دست یابند. در دنیای امروز بسیاری از جوامع، پایه‌های رشد و توسعه اقتصادشان را بر مبنای دنیاپرستی و مصرف‌گرایی بنا کرده‌اند؛ اما دین مبین اسلام، قدرت اقتصادی را ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی اسلامی و دستیابی به سعادت حقیقی انسان‌ها می‌داند، اما چرا جوامع اسلامی در رشد و توسعه اقتصادی به اهداف خود نرسیده‌اند؟ پژوهش حاضر سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موانع رشد و توسعه اقتصاد در اندیشه امیر مؤمنان علی علیه السلام بپردازد، تا با شناخت این موانع، راهکاری برای رفع موانع دستیابی به یک اقتصاد سالم و پویا به دست دهد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که در راه رسیدن جامعه به اقتصادی مقتدر، موانع اخلاقی، اجتماعی، رفتاری و مدیریتی تأثیر گذارند.

کلیدواژه‌ها: امیر مؤمنان علی علیه السلام اقتصاد، تولید، رشد، توسعه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اقتصاد در هر جامعه‌ای مانند خون است در بدن. یک اقتصاد سالم همانند خون سالم است، و اقتصاد ناسالم همانند خون کثیف و آلوده، تمام بدن را آلوده می‌کند. گرچه خون، تمام وجود انسان را تشکیل نمی‌دهد؛ ولی یک رکن مهم حیات و هستی ماست و همان‌گونه که نوسانات سلامت و بیماری ما، در خونمان منعکس می‌شود و از طریق میزان فشار خون و ترکیبات مختلف آن قابل تشخیص است، نوسانات سلامت و بیماری یک جامعه با بررسی وضع اقتصادی آن جامعه از جهات زیادی قابل پیش‌بینی است (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۲۱۹).

ابونصر فارابی جامعه‌ای را ایده‌آل می‌داند که در آن ایمان و اعتقاد به خدا و معاد، یعنی همان چیزی که ما آن را متافیزیک می‌نامیم پایه و موتور حرکت‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی باشد. در مقابل جوامعی که اقتصاد را از اخلاق جدا می‌کنند و این موتور قوی را از رفتار اقتصادی مردم می‌گیرند، به نظر وی از مدینه فاضله بسیار دورند (فارابی، ۱۳۶۱، ص ۲۷۸-۲۷۹).

توسعه اقتصادی در جامعه اسلامی وقتی محقق خواهد شد که افراد آن جامعه همیشه به تعالیم روح‌بخش الهی، و قوانین و مقررات دین مبین اسلام در مسائل اقتصادی و مدیریتی که همان سنت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ است، احترام بگذارند و خالصانه به آنها عمل کنند. آن‌گونه که امیرمؤمنان علی ﷺ می‌فرماید: «إِسْتَبْرَأُوا نِعْمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْمُحَافَظَةِ عَلَى مَا اسْتَحْفَظَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۲۴)؛ نعمت‌های خدا را بر خود به وسیله صبر بر طاعت او و محافظت بر آنچه از شما نگهداری آن را (با عمل به احکام و تعظیم و توقیر آن) نسبت به کتابش خواسته، تمام گردانید. اما در مقابل، برخی افراد سودجو برای رسیدن به اهداف خود از این قوانین سوءاستفاده می‌کنند و در جهت مخالف با تعالیم اسلامی گام برمی‌دارند که عمل آنها باعث رکود اقتصاد و فروپاشی آن خواهد شد.

اسلام برخلاف نظام سرمایه‌داری معتقد نیست که معضل موجود، مسئله طبیعت و کمبود منابع طبیعی است؛ زیرا ملاحظه می‌کند که طبیعت قادر است همه نیازهای زندگی را که عدم تأمین آن منجر به پیدایش معضل حقیقی در زندگانی انسان می‌شود، تضمین کند. کما اینکه اسلام همچون مارکسیسم معتقد نیست که معضل، تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع است؛ بلکه از دیدگاه اسلام معضل واقعی - قبل از هر چیز - به خود انسان مربوط می‌شود، نه به طبیعت یا به شکل تولید (صدر، ۱۳۶۰، ص ۳۸۶). در حقیقت نقش نیروی انسانی در

تولید و ایجاد سرمایه بسیار مهم است. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام موانع بسیاری از جمله موانع اخلاقی، اجتماعی، رفتاری یا عملی و مدیریتی وجود دارد، که جامعه اسلامی با استعانت از خداوند متعال و با شناخت و غلبه بر این مشکلات می‌تواند به اهداف و آرمان‌های والای خود برسد.

آنچه ضرورت پرداختن به این موضوع را آشکار می‌سازد، از یک‌سو، نامگذاری سال ۱۳۹۸ از طرف مقام معظم رهبری به عنوان سال رونق تولید و از سوی دیگر فشارها و تحریم‌های کشورهای استعمارگر غربی بر کشور ما ایران اسلامی است. هدف از نگارش مقاله حاضر آن است که موانع رشد و توسعه اقتصاد در اندیشه امیرمؤمنان علی ﷺ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ تا جوامع اسلامی بتوانند با شناخت موانع و غلبه بر آنها، راه را برای گام نهادن در پله‌های ترقی و تکامل اقتصاد طی کنند و به این پرسش پاسخ گویند که در اندیشه امیرمؤمنان علی ﷺ چه موانع و مشکلاتی در رشد و توسعه اقتصاد مؤثرند؟

با توجه به اهمیت تحقق استقلال اقتصادی در اندیشه امیرمؤمنان ﷺ، کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. از جمله کتاب *مبانی، الزامات و موانع جهاد اقتصادی* (لیراوی و همکاران، ۱۳۹۲)، به موانع اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جهاد اقتصادی اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که در راه تحقق جهاد اقتصادی موانع زیادی، همچون تکیه کردن بر منابع مطالعاتی نامطمئن، نداشتن شجاعت در تصمیم‌گیری، برخورد شعاری و شناخت نادرست اقتصاد اسلامی نقش دارند.

کتاب *جهاد اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری* (عیوضی، ۱۳۹۲)، به آسیب‌های دولتی و مردمی در جهاد اقتصادی پرداخته و بیان می‌دارد که شناخت و توجه به این آسیب‌ها می‌تواند رهپویان راه را از مبتلا شدن به آنها مصون دارد.

مقاله «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی ﷺ با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر» (خسروی و لکزایی، ۱۳۹۵)، در راه تحقق امنیت اقتصادی موانعی همچون فقدان عدالت اقتصادی، تبعیض و نابرابری، ربا، احتکار و... را ذکر کرده و به این نتیجه رسیده که اقتصاد زمانی پویا و عامل پیشرفت جامعه خواهد بود که دچار تزلزل و آلوده شدن به فساد و کج‌روی نگردد. اما به‌رغم پژوهش‌های متعدد صورت‌گرفته، تاکنون مقاله‌ای پیرامون موانع رشد و توسعه اقتصاد در اندیشه امیرمؤمنان علی ﷺ نگارش نشده است، به همین دلیل بررسی این موضوع می‌تواند در رسیدن به اقتصادی سالم و پویا نقش اساسی داشته باشد.

۱. مفهومی‌شناسی

۱-۱. منع

است. از طرف دیگر، تراکم و انباشت ثروت نزد ثروتمندان و بهره‌برداری انحصاری آنان، در نظام اسلامی، مردود و ممنوع است. لذا رشد و پیشرفت در زمینه اقتصاد ایجاد نخواهد شد، مگر اینکه موانع رشد شناخته شده و برطرف شوند. از سوی دیگر، موانع زیادی در رسیدن جامعه به اقتدار اقتصادی نقش دارند، که در ادامه به مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها که حضرت به آنها توجه نموده، اشاره می‌شود.

در لغت به معنای بازداشتن که در مقابل عطیه و بخشیدن قرار دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴، مدخل منع). موانع جمع منع در اصطلاح عبارت است از مشکلات بازدارنده از پیشرفت امور (دهخدا، ۱۳۴۵، مدخل موانع).

۱-۲. رشد اقتصادی

به تعبیر کمی هر متغیر طی یک دوره معین زمانی، رشد گفته می‌شود (متوسلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱) و در واقع رشد اقتصادی هر جامعه، بیانگر رشد مداوم تولید است که در اغلب موارد، با افزایش جمعیت و یا معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص ۱۱).

۱-۳. توسعه اقتصادی

در مورد اصطلاح «توسعه» فریدمن معتقد است: «توسعه، یک روند خلاق و نوآور برای ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی می‌باشد» (قره‌باغیان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷). توسعه اقتصادی عبارت است از: دستیابی به تعدادی از اهداف و غایبات مطلوب نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها، وجهه‌نظرها و یا به طور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد (جبروند، ۱۳۶۸، ص ۸۴). همچنین امیرمؤمنان علیؑ در مورد «اقتصاد» می‌فرماید: «الْاِقْتِصَادُ يُنْمِي الْيَسِيرَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۸۵)؛ میان‌روی (که نه اسراف باشد و نه تنگ‌گیری)، کم را زیاد می‌نماید. با دقت در این عبارت و تعاریفی که برای رشد و توسعه اقتصادی ارائه شد، می‌توان چنین برداشت کرد که کلام امامؑ دلالت بر توسعه اقتصادی دارد و لذا رشد و توسعه اقتصادی از نظر ایشان افزایش سرمایه و منافع است که از طرق مختلف حاصل می‌شود.

۲. موانع رشد و توسعه اقتصاد در اندیشه

امیرمؤمنان علیؑ

۲-۱. موانع اخلاقی

لازمه اقتدار اقتصادی فقط وابستگی به کشورهای بیگانه نیست، بلکه حاکمیت اخلاق بر اقتصاد است، که رشد و توسعه اقتصادی را در معنای درست آن فراهم می‌سازد؛ زیرا هرگونه بی‌اخلاقی و ناروایی در روابط و مناسبات اقتصادی، تکامل اقتصادی را نابسامان و مختل می‌کند و لازم است از آن پرهیز شود. در ادامه به برخی از رذایل اخلاقی که امیرمؤمنانؑ از آنها به عنوان موانع رشد اقتصاد یاد کرده، اشاره شده است.

۲-۱-۱. حرص ورزیدن

واژه «حرص» در لغت به معنای آزمندی و زیاده‌روی در میل و اراده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، مدخل حرص). در اصطلاح حرص، حالت و صفتی است نفسانی که آدمی را بر گردآوردن آنچه بدان نیاز ندارد، برمی‌انگیزد؛ بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند (نراقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۷). از امیرمؤمنانؑ پرسیدند: حرص چیست؟ می‌فرماید: «طَلَبُ الْقَلِيلِ بِإِضَاعَةِ الْكَثِيرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۶۳)؛ چیزی اندک را با تباه کردن چیزهای بسیار طلب کردن. دین مبین اسلام، پیروانش را به شدت از حرص و آزمندی منع کرده است؛ زیرا حرص باعث می‌شود ثروت‌ها یا امکانات اقتصادی از چرخه طبیعی خود خارج شده و در خدمت خواسته‌های نامعقول و غیرقابل توجیه افراد درآید. از این رو بایستی به شدت از این آفت اقتصادی پرهیز کرد. برخی از آثار حرص ورزیدن در کلام امیرمؤمنانؑ عبارتند از: (۱)

فقر: «وَإِظْهَارُ الْجِرْصِ يورث الفقر» (همان، ج ۷۶، ص ۳۱۴)؛ و آشکار کردن حرص فقر به بار می‌آورد؛ (۲) ضعف و ناتوانی: «لَيْسَ لِحَرِيصٍ غَنَاءٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۸)؛ برای هیچ حریصی توانگری نیست؛ زیرا طالب بیشتر است؛ (۳) نبودن شرم و حیا: «لَا حَيَاءَ لِحَرِيصٍ» (همان، ص ۲۴۹)؛ برای هیچ حریصی حیا نیست.

از سخنان امیرمؤمنانؑ به خوبی می‌توان استفاده کرد که اسلام، خواهان گردش درست ثروت در بین همه مردم و استفاده عموم از آن

۲-۱-۲. ناسپاسی نعمت

سرخوشی و سرمستی از امکانات مادی موجود، مصرف را به شدت افزایش داده و از میزان تولید خواهد کاست، و این خود باعث کاهش رشد خواهد بود. امام علیه السلام در نکوهش مردم گمراه نیز می‌فرماید: «فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ النَّعْمَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۱)؛ از سرمستی‌های نعمت بترسید و از سختی‌های عذاب الهی بهراسید و بگریزید. در حقیقت، سرمستی از نعمت، عذاب دنیوی و اخروی را در پی دارد.

واژه «کفران» مصدر است و به معنی ناسپاسی کردن و پوشاندن حق است (شریعت‌مداری، ۱۳۸۷، مدخل کفر). یکی از سنت‌های الهی آن است که اگر از نعمتی قدردانی و سپاسگذاری شود، تداوم می‌یابد و افزوده می‌گردد؛ ولی اگر نسبت به آن ناسپاسی شود، از دست می‌رود. چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «زَوَالُ النِّعَمِ بِمَنْعِ حُقُوقِ اللَّهِ مِنْهَا وَ التَّقْصِيرِ فِي شُكْرِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۲۷)؛ زائل شدن نعمت‌ها به واسطه جلوگیری حقوق خدا (مانند زکات و خمس و مانند آن) از آنها و کوتاهی کردن در شکر آنهاست. امام علیه السلام در روایت دیگری می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ، فَلَا تُتَفَرَّوْا أَقْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۱۳)؛ چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید. یکی از نتایج ناسپاسی نعمت در کلام امیرمؤمنان علیه السلام مذموم و منفور بودن است؛ آن‌گونه که می‌فرماید: «كَافِرُ النَّعْمَةِ مَذْمُومٌ عِنْدَ الْخَالِقِ وَ الْخَالِئِقِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۶۶)؛ کفران‌کننده نعمت در نزد خالق و مخلوق مذمت شده است. حاصل کلام اینکه، ناسپاسی عمومی در برابر نعمت‌های الهی می‌تواند جامعه را در تنگنای اقتصادی و حیاتی قرار دهد و همه طرح‌ها و سرمایه‌های ملی را نابود سازد.

۲-۱-۳. سرمستی از نعمت

۲-۱-۴. شنیدن غنا
کلمه «غناء» (بر وزن کساء) عبارت است از: صدایی که همراه با ترجیع و زیر و بم باشد، به‌گونه‌ای که طرب‌انگیز و شادی‌آفرین باشد، یا در نظر عرف «غناء» نامیده شود، اگرچه طرب‌آور نباشد؛ اعم از اینکه در قرائت قرآن یا شعر باشد (طریحی، ۱۴۰۳ق، مدخل غنا). یکی از مهم‌ترین وسایل اشاعه فساد اخلاقی در جامعه و به گمراهی کشاندن جوانان و ضایع ساختن استعدادهای آنها، موسیقی و غناست. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «كَثْرَةُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يُوْرِثُ الْفَقْرَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۳۱۴)؛ فراوان شنیدن موسیقی غناء، فقر به بار می‌آورد. بنابراین، از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام استفاده می‌شود که غنا و موسیقی و افراط در شنیدن آن، از موانع پیشرفت و توسعه اقتصادی جامعه است؛ زیرا با اتلاف وقت، توان و استعدادهای افراد جامعه و رواج روحیه خوشگذرانی و مصرف‌گرایی ناشی از آن، باعث کاهش رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد.

۲-۱-۳. سرمستی از نعمت
امیرمؤمنان علیه السلام به مشکلات جامعه فاسد که مردم باید به حکم اجبار در انتظار آن باشند، پرداخته و می‌فرماید: «ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنْ النَّعْمَةِ وَ النَّعِيمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۸۷)؛ و این امر هنگامی رخ می‌دهد که مست می‌شوید، بی‌آنکه شراب خورده باشید؛ بلکه مست نعمت و فزونی امکانات هستید. آن حضرت در کلام دیگری می‌فرماید: «الْبَطْرُ يَسْلُبُ النَّعْمَةَ وَ يَجْلِبُ النَّعْمَةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۶)؛ گردنکشی و یا بی‌غمی، نعمت را سلب و عقوبت را جلب می‌کند. واژه «الْبَطْرُ»، دهشتی است که به خاطر کفران نعمت و عدم قیام به شکر آن؛ بلکه صرف آن در غیر موردش دامن‌گیر انسان می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴، مدخل بطر). در این عبارت، امام علیه السلام سعی می‌کنند به تک‌تک افراد جامعه گوشزد کنند که حفظ اقتدار و توانمندی اقتصادی، در گرو کار و تلاش مداوم و خستگی‌ناپذیر است؛ چراکه

۲-۱-۵. احتکار

احتکار؛ یعنی حبس کردن چیزی به امید گران شدن (فیروزآبادی، ۱۳۷۱، مدخل حکر). یکی از مواردی که اسلام درصدد است به وسیله آن جلوی زورگویی، غصب حقوق و چپاول اموال دیگران را بگیرد، تحریم احتکار است. امیرمؤمنان علیه السلام با احتکار و گران‌فروشی سخت مبارزه می‌کرد، آن‌گونه که می‌فرماید: «فَمَنْعَ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنَعَ مِنْهُ وَلِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا يَمْوَازِينُ عَدْلًا وَ أَسْعَارًا لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّ بِهِ وَ عَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)؛ پس باید از احتکار منع شود؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمود و باید خرید و فروش، آسان صورت

آنها الفت است، تفرقه می‌گویند (عسکری، ۱۴۱۲ق، مدخل فرق). تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست، ریشه‌اش همان طغیانی است که در نفس هست (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). از این رو اختلاف و پراکندگی در جامعه باعث هدر رفتن نیروها و امکانات جامعه می‌شود. امیرمؤمنانؑ می‌فرماید: «لِزَمُوا الْجَمَاعَةَ وَاجْتَنِبُوا الْفُرْقَةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۴۴)؛ ملازم جماعت باشید و از جدایی بپرهیزید؛ زیرا تمام پیشرفت‌های مسلمین با حفظ وحدت و لزوم جماعت است. ایشان در کلام دیگری می‌فرماید: «فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ تَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفئِدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِيَاسَ كَرَامِيَهُ وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بَقِيَ قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عَيْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۲)؛ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، سخنان و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تشنه بیرون آورد، نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت و داستان آنها در میان شما عبرت‌انگیز باقی ماند. از این رو تفرقه و پراکندگی دل‌ها و نیروهای انسانی مانع از ایجاد امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

۲-۲-۲. ترک انفاق

واژه «انفاق» از ماده «نق» بر دو وجه دلالت می‌کند: یکی بریدن و خارج شدن و دیگری مخفی و پنهان کردن (ابن فارس، ۱۴۰۳ق، مدخل نق). انفاق در اصطلاح به معنای خرج کردن و یا خارج ساختن مال از ملک خویش در راه خداست (شریعتمداری، ۱۳۸۷، مدخل نق). یکی از کارهایی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، انفاق است و از آن به عنوان نیکوترین نشانه بر صدق ایمان یاد شده است. در مقابل از مال بی‌انفاق به‌عنوان بدترین مال یاد شده که موجب فقر و اختلاف طبقاتی در جامعه می‌گردد و لازم است از آن پرهیز شود. چنان‌که امیرمؤمنانؑ می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصِمُهُمُ اللَّهُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرَهُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا؛ فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۴۲۵)؛ خدا را بندگان است که برای سود رساندن به دیگران، نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده، تا

پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، با نرخ‌های (رایج بازار)، نه به زیان فروشنده و نه خریدار، و آنکه پس از منع تو، دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او اسراف مکن.

امامؑ دلیل نهدی از احتکار را این‌گونه بیان می‌فرماید: «مِنَ طَبَائِعِ الْأَعْمَارِ إِتْعَابُ النَّفُوسِ فِي الْإِحْتِكَارِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۳)؛ به زحمت انداختن مردم در احتکار، از خصلت‌های مردم جاهل است.

امیرمؤمنان علیؑ در عهدنامه خود به مالک/اشتر پس از دستورهای لازم پیرامون رعایت و حمایت تجار و صاحبان صنایع می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَ ذَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... وَ أَعْلَمُ - مَعَ ذَلِكَ - أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شُحًا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مُضَرَّةٌ لِلْعَامَّةِ وَ غَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)؛ اینک سفارش مرا در حق بازرگانان و صنعتگران بپذیر... این را هم بدان که در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند؛ که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. بنابراین، احتکار به دلیل خارج کردن بخشی از کالاها از چرخه سالم و طبیعی اقتصادی، ایجاد تورم و قیمت‌های کاذب و سایر مشکلاتی که برای افراد جامعه به وجود می‌آورد، از موانع توسعه و رشد اقتصادی محسوب می‌شود؛ زیرا بخشی از تولید و رشد را به برآورده کردن نیازهایی مشغول می‌کند که با احتکار از دسترس افراد خارج شده است.

۲-۲-۲. موانع اجتماعی

در بیانات امیرمؤمنانؑ عواملی همچون تفرقه و پراکندگی نیروها، ظلم و ستم، ترک انفاق، عدم امنیت اقتصادی به عنوان موانع اجتماعی رشد و توسعه اقتصاد ذکر شده‌اند که تأثیر منفی آنها نه تنها جامعه را دچار بی‌ثباتی و تزلزل می‌کند، بلکه باعث رکود و ورشکستگی اقتصاد خواهد شد.

۲-۲-۱. تفرقه و پراکندگی

به جدایی بین دو امر یا به تفکیک آنچه که جمع است و تقریباً میان

مناسب برای کار، تلاش، سرمایه‌گذاری و تولید فراهم شود، چنان‌که امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «فَاهِيَةَ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۰)؛ رفاه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است. هرگونه ناامنی از جمله ناامنی اقتصادی، موجب گریز سرمایه و کاهش تولید و آسیب به انگیزه‌های کار و تلاش است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر رشد و توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان از آینده است که باید به‌طور اساسی مورد ارزیابی و دقت نظر قرار گیرد. از منظر امیرمؤمنان^ع نبود امنیت اقتصادی، زمینه‌ای برای انواع تباهی‌هاست و از این‌رو بدترین جامعه و دولت آن است که در آن، امنیت لازم برای زندگی و کار و تلاش اقتصادی وجود نداشته باشد. آن‌گونه که امیرمؤمنان^ع می‌فرماید: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۱)؛ بدترین شهرها، شهری است که در آن نه امنیت باشد، نه ارزانی. بنابراین، اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود؛ اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود؛ اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود (عیوضی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۱). آنچه می‌تواند این امنیت را ایجاد کند، ثبات در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، گماردن افراد پاکدست در مدیریت اقتصاد و تمهیداتی از این قبیل است.

۲-۳-۲. موانع رفتاری یا عملی

در بیان امیرمؤمنان^ع ردایلی همچون گناهان، اسراف و تبذیر در مصرف، رباخواری، اتلاف منابع تولید، انحصارطلبی و بیکاری از موانع عملی توسعه اقتصاد شمرده شده است.

۲-۳-۱. گناهان

گناه: رفتاری است که برخلاف فرمان خداوند باشد (ابن‌منظور، ۱۳۶۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، مدخل عصی). خداوند متعال وقتی کفران نعمت، عصیان و قدرناشناسی مردم را ببیند، استمرار نعمت را از آنان دریغ می‌کند و این نه به خاطر بخل و اجحاف خداوند، بلکه به سبب گناه و بی‌لیاقتی مردم است. امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «مُدَاوَمَةُ الْمَعَاصِي تَقَطُّعُ الرَّزْقَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۶۵)؛ مداومت بر گناهان روزی را قطع خواهد کرد. ایشان در کلام دیگری می‌فرماید: «وَأَيْمُ اللَّهِ، مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَزَالَ

آن‌گاه که دست بخشنده دارند، نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيُّ» (همان، حکمت ۳۲۸)؛ همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقیری گرسنه نمی‌ماند، مگر اینکه ثروتمندی از دادن حق او سرباز زند.

وجود شکاف اقتصادی میان طبقات جامعه و گرفتار شدن قشری از مردم در فقر و تنگدستی، خود می‌تواند عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی دیگر باشد، که برطرف کردن آن گاهی غیرممکن و یا با هزینه‌های بسیار زیاد همراه است. این نابسامانی اجتماعی و اقتصادی، از موانع رشد و توسعه اقتصادی نیز هست؛ زیرا سرمایه‌ها و نیروی انسانی جامعه را درگیر خود می‌کند. به همین دلیل در دین اسلام برای جلوگیری از فقر، راهکاری به نام اتفاق مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا اگر هریک از افراد جامعه به نسبت درآمد و توان اقتصادی خود، سهمی را به نیازمندان و افرادی اختصاص دهند که به هر دلیلی از گردونه فعالیت اقتصادی کنار نهاده شده‌اند، در این صورت توزیع ثروت به‌گونه‌ای خواهد بود که فقر مطلق بکلی از میان خواهد رفت و این قشر ضعیف نیز پس از توانمندسازی، می‌تواند به چرخه تولید و اقتصاد بازگردند.

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که تأمین مالی نیازمندان، وظیفه‌ای اساسی است و نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا چنین نادیده‌انگاری‌ها دیگر امور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و جامعه و حکومت را از مسیر حق و عدالت بیرون می‌برد.

۲-۳-۳. عدم امنیت اقتصادی

واژه «امنیت» از ماده «امن» به معنای ایمنی و آرامش نفس و خاطر جمعی و از بین رفتن بیم و هراس است (مصطفوی، ۱۳۶۰، مدخل امن). مقصود از امنیت اقتصادی، ایجاد فضایی است که در آن سرمایه و سرمایه‌گذار، صنعت و صنعتگر، کار و کارگر و همه قشرها در برابر انواع فشارهایی که خارج از کنترل آنهاست، حفاظت می‌شوند و در جهت کار و تلاشی که برای شکوفایی اقتصاد انجام می‌دهند، احساس اطمینان و آرامش داشته باشند (میرعمادی، ۱۳۹۰، ص ۳۰). از این‌رو در تمام روابط و امور اقتصادی، امنیت همه‌جانبه‌ای لازم است تا فضای

مکیل، و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی» دانسته‌اند (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۲۳). دلیل حرمت ربا نیز بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا یکی از اهداف اساسی اسلام نجات انسان از هرگونه اسارت و بردگی مادی و عقیدتی است، و در زمینه اقتصاد نیز به هر عاملی که وسیله محدود شدن آزادی عمل و اسارت مادی و فکری انسان باشد، توجه و مقررات متناسبی برای جلوگیری از آن وضع کرده است. یکی از این مقررات، تحریم ربا است. امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَرِيْبَةٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۲۰)؛ هرگاه خداوند تصمیم به نابودی قریه‌ای بگیرد، رباخواری را میان آنها آشکار و رایج می‌سازد.

آن حضرت با بهره گرفتن از کلام الهی می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُسْتَدِينًا» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۲۸۴)؛ به ربا نزدیک نشوید و کم‌فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر برنارید. فلسفه تحریم ربا آن است که جلوی قدرت، نفوذ و سیطره سرمایه گرفته شود (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۳۱-۳۴). بنابراین، رباخواری باعث می‌شود که بذر نفاق و تفرقه و کینه در جامعه پاشیده شود و آن جامعه به سرطان اقتصادی دچار شود. در حقیقت پدیده ربا از دو طریق رشد و توسعه اقتصاد را با اختلال مواجه می‌سازد؛ نخست آنکه بخشی از سرمایه در نظام اقتصادی با طمع به کسب درآمد بدون زحمت و بدون پذیرفتن ریسک سرمایه‌گذاری، به‌جای صرف شدن در تولید و کسب و کار، به سمت قراردادهای و معاملات ربوی می‌رود، که هیچ رشد و تولیدی در پی نخواهد داشت؛ و دوم آنکه پرداخت کنندگان ربا، که خود از مشکلات اقتصادی و کمبود سرمایه رنج می‌برند، هرچه بیشتر در این گرداب سهمگین فرو می‌روند و نیروی کار و سرمایه‌هایشان را به جای فعالیت‌های سالم اقتصادی، در این چرخه معیوب و مهلک صرف می‌کنند.

۲-۳-۴. اتلاف یا راکد گذاشتن منابع تولید

عوامل و منابع تولید در جوامع بشری، فراوانی مطلق ندارد تا افراد به هر میزان و کیفیتی که خواستند از آن بهره بردارند. بنابراین، لازم است افراد جامعه در استفاده از عوامل تولید بهترین شیوه‌ها را برگزینند، تا از اتلاف و تضییع آنها بپرهیزند. امیرمؤمنانؑ در هشدار به آنان که سرمایه خویش را راکد گذاشته‌اند و بهره‌ای از آن نمی‌برند، می‌فرماید: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳،

عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحَوْهَا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۸)؛ به خدا قسم! هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند، مگر به کیفر گناهی که انجام داده‌اند. بنابراین، در جامعه‌ای که مردم آن به گناه روی آورده‌اند، خیر و برکت از اقتصاد و زندگی آنها برداشته می‌شود.

۲-۳-۲. اسراف و تبذیر در مصرف

واژه «اسراف» یعنی تجاوز از حد و پوشاندن چیزی می‌باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ق، مدخل سرف)؛ ولی تبذیر، اسرافی است که با اتلاف مال همراه باشد (طریحی، ۱۳۶۲، مدخل سرف). امیرمؤمنان علیؑ در تعریف اسراف می‌فرماید: «كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْإِقْتِصَادِ إِسْرَافٌ» (محدث نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۲۷۱)؛ هرچه از حد میانه‌روی بگذرد، اسراف است. گاهی این دو کلمه در یک معنا به کار می‌روند و حتی به عنوان تأکید پشت سر هم قرار می‌گیرند، آن گونه که امیرمؤمنانؑ می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۶)؛ آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق آن را ندارند، زیاده‌روی و اسراف است. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «أَلْقَصِدُ مَثْرَاةً وَ السَّرْفُ مَثْوَاةً» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۵۸)؛ میانه‌روی ثروت خیز و زیاده‌روی هلاک‌انگیز است.

برخی از نتایج اسراف و تبذیر در کلام امامؑ عبارتند از: (۱) فقر: یکی از آثار اقتصادی اسراف و تبذیر در هر جامعه‌ای، فقر است؛ زیرا که اسراف‌کار در اثر مصرف ناروای خود جامعه را به ورطه فقر می‌کشاند و خود نیز دچار فقر می‌شود. از این رو امامؑ می‌فرماید: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ» (محدث نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۲۶۶)؛ ولخرجی، عامل فقر است؛ (۲) هلاکت: اسراف از هر نوعی که باشد انسان را به نابودی می‌کشاند. امامؑ می‌فرماید: «كَثْرَةُ السَّرْفِ تُدْمِرُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۵۱)؛ اسراف زیاد موجب هلاکت می‌شود. بنابراین، اگر جامعه‌ای به اسراف و تبذیر نعمت‌ها روی آورد، موجبات فقر، احساس نیاز و کمبود در آن جامعه فراهم می‌گردد و حتی ادامه این روند باعث وابستگی به کشورهای بیگانه خواهد شد.

۲-۳-۳. رباخواری

واژه «ربا» در اصل به معنای افزونی، رشد و برتری می‌باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ق، مدخل ربا). در عرف دینی، بیشتر فقهای شیعه ربا را «دریافت زیادی در مبادلات دو کالای همجنس موزون یا

رفتن عدالت اقتصادی است. در نتیجه این انحصارطلبی، بسیاری از فعالان اقتصادی توان رقابت تجاری را از دست داده و به ورشکستگی دچار خواهند شد و در بلندمدت تمامیت اقتصاد آن جامعه از رشد و توسعه مورد انتظار، دور خواهد ماند.

۲-۳-۶. بیکاری

در هر جامعه‌ای، بیکاری باعث افزایش جرایم و ناهنجاری‌ها می‌گردد و جامعه را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. از این رو بیکاری در تعالیم دینی مورد بغض و لعن قرار گرفته است. امیرمؤمنان علیه السلام درباره آثار سوء بیکاری می‌فرماید: «مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۱۲۷)؛ آنکس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد. آن حضرت در کلام دیگری چنین می‌فرماید: «إِنْ يَكُن الشُّغْلُ مَجْهَدَةً، فَاتَّصَلَ الْفَرَاغُ مَفْسَدَةً» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۹۱)؛ اگر کار و تلاش خستگی و رنج دارد؛ بیکاری مداوم نیز مایه فساد است. امام علیه السلام در این سخنان کار و اشتغال را تنها یک مسئله اقتصادی ندانسته، بلکه آن را یک مسئله مهم اخلاقی ذکر کرده است. ایشان از بیکاری به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد فساد نام برده که اندوه انسان را در پی دارد و کار را عامل جلوگیری از آن بیان می‌کند. تردیدی نیست که نیروی کار در سن اشتغال، یک قدرت اقتصادی بالقوه است؛ اما اگر برای این نیروی کار از پیش برنامه‌ریزی نشده و زیرساخت‌های لازم برای اشتغال آنان فراهم نشده باشد، همین قدرت بالقوه که می‌تواند باعث رشد تولید و توسعه اقتصاد یک جامعه باشد، به یک آفت و معضل بزرگ تبدیل خواهد شد؛ چراکه بیکاری، به‌ویژه برای جوانان، به همراه خود انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی همچون اعتیاد، سرقت، بزهکاری و... را به همراه خواهد داشت. بنابراین، بیکاری را می‌توان از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه اقتصادی برشمرد که باید رفع آن را در اولویت اقدامات و اصلاحات اقتصادی قرار داد.

۲-۳-۴. موانع مدیریتی

انتخاب کارگزاران و مدیران متخصص و کارآمد در عرصه اقتصادی امری حیاتی و ضروری می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر پست‌های کلیدی هر حکومتی به دست کارگزاران ناکارآمد، مدیران بی‌تدبیر و خائن قرار گیرد، موانعی سخت در برابر پیشرفت امور اقتصادی و دستیابی به

ص ۶۵)؛ کسی (یا ملتی) که آب و خاک در اختیار داشته باشد؛ ولی به فقر و هلاکت دچار شود، خداوند او را از رحمت خود دور می‌کند. می‌توان از روایت استنباط کرد که مقصود آن است هرکس عوامل و منابع زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری برای تولید و اشتغال را در اختیار داشته باشد و از آنها استفاده درست نکند، یا آنها را معطل و راکد بگذارد، به فقر و تهیدستی دچار می‌شود.

بنابراین، بخشی از عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در عرصه اقتصاد جهانی، و عدم رشد و توسعه اقتصادی این جوامع را می‌توان نتیجه بی‌توجهی آنان به امکانات طبیعی و بالقوه‌ای دانست که خلوند در اختیارشان قرار داده و ایشان آن را راکد گذاشته و یا با قیمتی ناچیز به دیگران واگذار می‌کنند

۲-۳-۵. انحصارطلبی

واژه «استثثار»؛ یعنی اینکه انسان مال و متاعی را که مورد رغبت و نیاز دیگران است، به‌طور کامل مخصوص خویش سازد و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند (لویس، ۱۹۸۶، ص ۳). انحصارطلبی از رهاوردهای شوم سرمایه‌داری است و امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ يَسْتَأْثِرُ مِنَ الْأَمْوَالِ يَهْلِكُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۵۴)؛ هرکس اموالی را به انحصار درآورد، هلاک می‌شود. همچنین آن حضرت به سبب نقش ویرانگر ویژه‌سازی، مالک/اشتر را از آن بیم می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَيُّكُمْ وَالْإِسْتِثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ وَالْتِغَايَةَ عَمَّا يُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَصَحَ لِلْعِيُونِ، فَإِنَّهُ مَا خُوذُ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْظِيَةُ الْأُمُورِ وَ يَنْتَصِفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)؛ پرهیز از امتیازخواهی و اینکه چیزی را مخصوص به خود بداری، که (بهره) همه مردم در آن یکسان است و از تغافل در آنچه به تو مربوط است و برای همه روشن است، برحذر باش؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئول و پاسخ‌گویی، و به زودی پرده از کارهایت کنار می‌رود و داد ستمدیده از تو بستانند. از این رو علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به‌سر ببرند (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲). آنچه انحصارطلبی یا به تعبیر امروزی «رانت‌خواری» در اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند، از میان بردن رقابت سالم در فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد شکاف طبقاتی و از میان

اهداف آرمانی آن جامعه ایجاد می‌شود، که در نهایت منجر به سقوط و اضمحلال آن حکومت خواهد شد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین موانع مدیریتی توسعه اقتصادی از منظر امیرمؤمنان علیؑ اشاره می‌شود.

۱-۴-۲. استفاده از کارگزاران ناکارآمد

عواملی در دولت، مجلس و دیگر نهادها هستند و نیز اندیشمندانی که نمی‌توانند خود را با شتاب این حرکت اقتصادی هماهنگ کنند و نیاز فکری و عملی این حرکت پرشتاب را برآورده سازند. از این رو در انتخاب همکاران اقتصادی باید بسیار دقت شود که افراد روحیه، ایمان، انرژی، نشاط و علم و تخصص کافی داشته باشند تا به سهم خود به این حرکت شتاب دهند. نه اینکه رشد آن را کند کنند (ایرووی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۸). امیرمؤمنان علیؑ به یکی از کارگزارانش می‌نویسد که اگر می‌خواهی پست‌ها را به مردم بدهی، نگاه کن بین فضیلت‌ها کجاست؛ به بستگان و شخصیت‌های ظاهری نگاه نکن: «ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أَلْبَىٰ وَ لَا تَضْمَنْ بِلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا تَقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَايَةِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْطِمَ مِنْ بِلَايَةِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بِلَايَةِ مَا كَانَ عَظِيمًا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)؛ و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار؛ تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگرده که کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «زَوَالُ الدُّوْلِ بِاصْطِنَاعِ السُّفْلِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۱۳)؛ زایل شدن دولت‌ها به سبب پروردن مردم پست‌مرتبه است. بنابراین، اگر در جامعه‌ای زمامداران ناشایست در رأس امور قرار گیرند، پیامد چنین امری انحطاط و فروپاشی اقتصاد آن جامعه است.

۲-۴-۲. مدیریت غیرمتخصص

کسانی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص‌های لازم را ندارند و از این نظر نابالغ و ناکارآمدند و اشغال پست‌های مربوط توسط آنان باعث عقب‌ماندگی، نابسامانی، فقر و محرومیت مردم می‌گردد؛ نباید به کار گمارده شوند (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۹). امیرمؤمنان علیؑ نگرانی خود را از روی کار آمدن مدیران ناشایست چنین بیان می‌فرماید: «وَ لَكِنَّنِي أَسَىٰ أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَ فُجَارُهَا،

فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ خَرَبًا وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۶۲)؛ لیکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، حکومت را به دست گیرند؛ آن‌گاه مال خدا را دست به دست کرده و بندگان او را به بردگی بکشند؛ با نیکوکاران در جنگ و با فاسقان همراه باشند. ایشان نتیجه بی‌تدبیری مدیران را این‌گونه بیان می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ!... لَا خَيْرَ فِي دُنْيَا لَا تَدْبِيرَ فِيهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۷۰۷)؛ ای مردم!... در دنیایی (زندگی، جامعه و مدیریتی) که تدبیری در آن نباشد، خیری نیست. بنابراین، داشتن مهارت و تخصص لازم در همه مسائل اجتماعی، به‌ویژه در امور اقتصادی و مسائل مالی، از یک‌سو، همواره ضروری است و از سوی دیگر، اگر مدیریت بخش‌های مهم جامعه به دست سفیهان سپرده شود، موجب عقب‌ماندگی، بینوایی و فساد اجتماعی می‌گردد.

۳-۴-۲. مدیریت خائن

بی‌انضباطی مالی و اقتصادی و فقدان عدالت اقتصادی در بیشتر جوامع ناشی از خیانت مدیران می‌باشد که به طبع آن موجب فزونی خواهی و غوطه‌ور شدن آنان در ناز و نعمت خواهد شد. امیرمؤمنانؑ کارگزاران خود را از اینکه دست به خیانت بیالیند، سخت پرهیز می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِنِّي أَسِيمٌ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِن بَلَغَنِي أَنْكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً قَلِيلَ الْوَفْرِ، تَقِيلَ الظَّهْرَ، ضَعِيلَ الْأَمْرِ، وَالسَّلَامَ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۲۰)؛ به خدا سوگند اگر به من گزارش شود که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی! والسلام. امامؑ در کلام دیگری می‌فرماید: «لَعَدْرٌ بِكُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ هُوَ بِذَوِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ أَقْبَحُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۹۳)؛ خیانت از هر کس قبیح و از توانگران و صاحبان قدرت قبیح‌تر است. امامؑ نتیجه خیانت در امور را این‌گونه بیان می‌فرماید: «إِذَا ظَهَرَتِ الْخِيَانَاتُ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ» (همان، ج ۱، ص ۴۴۷)؛ هرگاه خیانت‌ها و یا جنایت‌ها (ای مردم نسبت به یکدیگر) ظاهر گردد، برکت‌ها برداشته شود.

چنان‌که از فرمایشات امیرمؤمنان علیؑ پیداست، خیانت حاکمان در حق مردم، از عوامل مؤثر در رکود و بلکه سقوط اقتصادی جامعه است. البته خیانت حاکمان در امور اقتصادی می‌تواند شامل انحصارطلبی، اختلاس، بی‌توجهی به مصالح عمومی و... باشد؛

اما به هرحال این مدیران و سران هر نظام سیاسی هستند که باید سیاست‌های اقتصادی آن نظام را در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی شکل دهند، و هرگونه بی‌توجهی نسبت به سرنوشت مادی و معنوی جامعه، مصداق خیانت خواهد بود. بنابراین، نفوذ افراد خائن در پست‌های کلیدی و حیاتی جامعه، نتیجه‌اش ظلم و ستم، حصر ثروت و دارایی و رکود اقتصادی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

اسلام آئینی ارزش‌آفرین است؛ با ارزش‌های ناهنجار و ناهمسوی با کرامت انسانی مبارزه کرده و نظامی از ارزش‌های الهی و انسانی بنیان نهاده است. برخوردار شدن از اقتصاد سالم و مقتدر، از جمله از اهداف و ارزش‌های هر جامعه، به‌ویژه جامعه اسلامی است.

اقتصاد زمانی پویا و عامل پیشرفت جامعه خواهد شد که موانع سد راه پیشرفت و توسعه آن به درستی شناخته شود و افراد جامعه با کمک هم در جهت رفع این موانع برآیند.

موانع رشد و توسعه اقتصاد از منظر امیرمؤمنان علیؑ عبارتند از: (۱) موانع اخلاقی، شامل: حرص ورزیدن، ناسپاسی نعمت، سرمستی از نعمت، شنیدن غنا و احتکار؛ (۲) موانع اجتماعی، شامل: تفرقه و پراکندگی، ترک انفاق و عدم امنیت اقتصادی؛ (۳) موانع رفتاری یا عملی، که عبارتند از: گناهان، اسراف و تبذیر در مصرف، رباخواری، اتلاف منابع تولید یا راکد گذاشتن منابع تولید، انحصارطلبی، بی‌کاری؛ (۴) موانع مدیریتی، شامل استفاده از کارگزاران ناکارآمد، مدیریت غیرمتخصص و مدیریت خائن.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنینؑ.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۲۳ق، تحف العقول عن آل الرسول، ط. السابعة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
 ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، تهران، علوم اسلامی.
 ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، لسان العرب، قم، ادب الحوزه.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۸۵، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدحسین شیخ‌الاسلامی، قم، انصاریان.
 جیرونده، عبدالله، ۱۳۶۸، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، چ سوم، تهران، مولوی.
 حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ق، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

حکیمی، محمد، ۱۳۷۰، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۷، الحیة، ترجمه احمد آرام، چ نهم، قم، دلیل ما.
 خسروی، رضا و نجف لک‌زایی، ۱۳۹۵، «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علیؑ با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۵۰، ص ۱۰۷-۱۳۳.
 خوانساری، جمال‌الدین، ۱۳۶۶، شرح غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۵، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۴، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه حسین خدایپرست، چ دوم، قم، نوید اسلام.
 شریعتمداری، جعفر، ۱۳۸۷، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، چ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۶۰، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، مشهد، جهاد سازندگی.
 طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۳ق، مجمع البحرین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 عسکری، ابوهلال، ۱۴۱۲ق، معجم الفروق اللغوی، قم، جامعه مدرسین.
 عیوضی، غلامحسین، ۱۳۹۲، جهاد اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری، چ دوم، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
 فارابی، ابونصر، ۱۳۶۱، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، چ دوم، تهران، کتابخانه طهوری.
 فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، چ دوم، قم، هجرت.
 فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۱، القاموس المحیط، مصر، مطبعة السعادة.
 قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۰، اقتصاد رشد توسعه، تهران، نشر نی.
 کوزنتس، سیمون، ۱۳۷۲، رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 لوتیس، معلوف، ۱۹۸۶، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت، دارالمشرق.
 لیراوی، صادق و همکاران، ۱۳۹۲، مبانی الزامات و موانع جهاد اقتصادی، چ دوم، قم، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
 متوسلی، محمود، ۱۳۸۲، توسعه اقتصادی، تهران، سمت.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.
 محدث نوری، حسین، ۱۴۰۷ق، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت.
 مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نگاه ترجمه و نشر.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، ربا، بانک، بیمه، چ هفدهم، تهران، صدرا.
 مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، قم، هدف.
 موسایی، میثم، ۱۳۷۶، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی (با توجه به روابط اقتصادی معاصر)، تهران، مؤسسه تحقیقات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۰، استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 میرعمادی، سیداحمد، ۱۳۹۰، اقتصاد در اسلام، قم، باقیات.
 نراقی، ملامهدی، ۱۳۸۹، علم اخلاق اسلامی، تهران، حکمت.